

# مطالعه و بررسی جامعه شناختی رابطه کیفیت زندگی زناشویی با عوامل جمعیت شناختی (مورد مطالعه: زنان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر کرج)

فاطمه رشید<sup>۱</sup>

شهلا کاظمی پور ثابت<sup>۲</sup>

حسین آقاجانی مرسا<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۴/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۶/۳

هدف تحقیق حاضر، سنجش کیفیت زندگی زناشویی جوانان با عوامل جمعیت شناختی می باشد. این پژوهش با توجه به ماهیت خود، توصیفی- همبستگی می باشد. جامعه آماری آن کلیه زنان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر کرج می باشند که با توجه به فرمول کوکران، حجم نمونه برابر با ۴۶۵ نفر به روش خوشه ای و سپس تصادفی ساده تعیین شدند. در مبانی نظری از نظریه های کیفیت زندگی، پارسونز، صافی، همسان همسری، دورکیم و... استفاده شده و در پایان مدل نظری تحقیق، با توجه به تئوری های پارسونز، فروم، استتس و براساس رویکرد اول لیو و تعریف عناصر تشکیل دهنده کیفیت زندگی زناشویی و همچنین مدل دوم ایوانز (مدل از پایین به بالا) طراحی گردیده است. این تحقیق با استفاده از روش پیمایشی انجام گرفته است. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته است. پایایی پرسشنامه توسط آلفای کرونباخ برای تمامی ابعاد پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ بدست آمد که قابل قبول می باشد. پس از گردآوری داده ها، براساس آمارهای توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار SPSS، داده ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. نتیجه فرضیه با آزمون های مرتبط نشان می دهد که بین کیفیت زندگی و سن، سن ازدواج، فاصله سنی با همسر، مدت ازدواج، سن باروری و محل زندگی رابطه معناداری وجود دارد. طبق آزمون رگرسیون و تحلیل مسیر در بیشترین و قوی ترین تأثیر بر کیفیت زندگی زناشویی،

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه شناسی، گرایش مسائل اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

E- mail: Skazemipour@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار، جامعه شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استادیار، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

می‌توان به ترتیب به تاثیر مستقیم متغیرهای مدت ازدواج (۰/۵۷۲)، فاصله سنی با همسر (۰/۳۸۱) و سن ازدواج (۰/۴۰۴) اشاره نمود.

**واژگان کلیدی:** کیفیت زندگی زناشویی، عوامل جمعیت شناختی، زنان جوان، سن ازدواج و قومیت



واکنش متقابل اعضای خانواده، چگونگی کیفیت زندگی آن و تأثیر آن بر اجزا و نهادهای دیگر جامعه، اندیشمندان را بر آن داشته است که با رویکردهای مختلف به مطالعه این واحد اجتماعی سرنوشت ساز همت گمارند. یکی از مهمترین رویکردهای مورد توجه اندیشمندان، کیفیت زندگی زناشویی یا رضایت و عدم رضایت آنها از زندگی مشترک می باشد. رضایت زناشویی، وجود یک رابطه دوستانه ی منطقی، تفاهم، درک یکدیگر و ارضای نیازهای مادی و معنوی زن و مرد است. کاپلان و مدوکس<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) چنین بیان می کنند: «رضایت زناشویی، یک تجربه فردی در ازدواج است که افراد آن را با توجه به میزان مسرت و خوشی در زندگی زناشویی ارزیابی می کنند.» آنها اعتقاد دارند که این امر به انتظارات، نیازها و خواسته ها و تمایلات افراد در ازدواجشان بستگی دارد. (میرفردی، احمدی و رفیعی بلداجی، ۱۳۸۹: ۵۹). کیفیت زندگی یک مفهوم مستقیم و دقیق نیست، بلکه فرایندی است که توصیف آن به هیچ وجه ساده نمی باشد. (رابرت<sup>۲</sup>، ۱۳۸۹: ۳۷). به طور خلاصه می توان گفت که کیفیت زندگی از دیدگاه افراد، در موقعیت های مختلف متفاوت است و به رضایت فرد از زندگی خود بر می گردد و با عواملی مانند سن، فرهنگ، جنسیت، تحصیلات، وضعیت طبقاتی، محیط اجتماعی و بیماری مرتبط است (سیادت و همایی، ۱۳۸۶: ۱۱۲) اما با شروع زندگی مشترک و ایجاد رابطه زناشویی، رضایت زناشویی به متغیری مهم در رابطه با کیفیت زندگی بدل می شود. رضایت زناشویی، فرآیندی است که در طول زندگی زوجین به وجود می آید و لازمه آن انطباق سلیقه ها، شناخت ویژگی های شخصیتی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل گیری الگوهای مراوده ای است. (احمدی و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۴). مطالعات نشان داده است که رضایتمندی و یا عدم رضایت زناشویی، بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی تأثیر می گذارد؛ برای مثال، نتایج مطالعات در محدوده تأثیر جسمانی نشان داد افراد متأهل که زندگی شان پایدار بوده و استحکام بیشتری داشته است، عموماً عمر طولانی دارند، از نظر جسمانی سالم ترند، شاد هستند و بیشتر احتمال دارد که از سرطان نجات یابند. (احمدی و همکاران، ۱۳۸۴: ۴۵). بی شک، رابطه ای دارای قدرت لازمه می باشد که از سوی هر دو طرف مورد پذیرش قرار گرفته و هر دو آن را با کیفیت لازم

<sup>۱</sup> Kaplan & Maddux

<sup>۲</sup> Robert

اعلام نمایند و این مهم زمانی برآورده می شود که بنیانگذاران خانواده (زن و شوهر) دارای توانمندی های لازم، مهارت های زندگی، توانایی درک یکدیگر و نیازهای هم، حقوق یکدیگر و توقعات طرف مقابل باشند. چنین رابطه ای به زن و شوهر این اطمینان را می دهد که در معامله زندگی با طرف مقابل ضرر ننموده اند و به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت خود در این زندگی خواهند رسید. (جلالی هومرور، ۱۳۸۵: ۲۴). چنانچه این کیفیت در زندگی زوجین بروز نماید می توان گفت زندگی آنان و روابط آنان از کیفیت لازمه برخوردار بوده و تضمین کننده خوشبختی این دو و به تبع آن فرزندان آنان است. در واقع افزایش کیفیت زندگی زناشویی موجب می شود همسران با سازگاری، احساس خوشبختی، رضایتمندی و آرامش روانی بیشتری در کنار یکدیگر زندگی کنند. مسلماً چنین شرایطی زمینه ای مساعد برای پیشرفت فراوان فردی، خانوادگی و اجتماعی به وجود می آورد. (ستوده، ۱۳۸۶: ۴۲).

موضوع کیفیت زندگی زناشویی همانند دیگر پدیده های اجتماعی و انسانی متأثر از عوامل و متغیرهای مختلفی است. بررسی سن ازدواج به خصوص در زنان، مشاهده متعدد ازدواج در سنین پایین، کاهش ازدواج های ترتیب یافته و افزایش آزادی در انتخاب همسر، گسترش ویژگی های ساختاری مدرنیزاسیون همچون: شهرنشینی، صنعتی شدن، تحرک جغرافیایی و مهاجرت و همچنین گسترش ارزش های مدرن مانند فردگرایی، الگوی جدید همسرگزینی و از طرف دیگر، افزایش نارضایتی، ناسازگاری، بی تعهدی، طلاق و به طور کلی کاهش کیفیت زندگی زناشویی زوج ها، توجه محقق را به مطالعه جامعه شناختی این عوامل متوجه کرد. بنابراین از بین عوامل تاثیر گذار بر کیفیت زندگی زناشویی می توان به نقش غیرقابل انکار عوامل اجتماعی اشاره داشت که در این حوزه می توان گفت سهمی از میزان رضایت یا عدم رضایت زوجین از یکدیگر را در عوامل جمعیت شناختی مانند سن ازدواج، تفاوت قومیتی، نوع خانواده، تعداد سال های زندگی مشترک، فاصله سنی بین زوجین، تعداد افراد خانواده، شیوه همسرگزینی و ... جستجو کرد.

به همین منظور در این تحقیق تلاش می شود تا میزان اثرگذاری این ابعاد اجتماعی شناسایی و نقش آن در کیفیت روابط زوجین تبیین گردد. با توجه به عوامل یاد شده، سوالات اساسی این پژوهش عبارت اند از:

کیفیت زندگی زناشویی در چه حدی است؟ چه رابطه ای بین متغیر کیفیت زندگی زناشویی و متغیرهای جمعیت شناختی مانند سن زن و مرد هنگام ازدواج، اندازه خانواده، فاصله سنی زوجین، سال های

زندگی مشترک، قومیت، اولین سن بارداری، ترکیب جنسی فرزندان، نوع خانواده و... وجود دارد؟ بنابراین فقدان یا کاهش احساس رضایتمندی زناشویی، خود می‌تواند سبب ایجاد محرکی برای تصمیم به جدایی و طلاق شود که آثار مخرب و مهلک آن نیز بر کسی پوشیده نیست (وایت، کلین و دیوید<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸: ۵۳). باتوجه به مباحث بالا می‌توان گفت اجرای پژوهش‌هایی از این دست و تاکید و بررسی عوامل جمعیت شناختی برای شناسایی دقیق‌تر علل طلاق و در نقطه مقابل آن رضایتمندی از زندگی زناشویی در کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. بر اساس یافته‌های حاصل از این قبیل پژوهش‌ها، ازیک سو، می‌توان هزینه‌ها و مشکلات مادی و روانی ناشی از اختلافات خانوادگی و پدیده طلاق را کاهش داد و از سوی دیگر، با افزایش معرفت و شناخت به ویژه یافته‌های حاصل از پژوهش‌های کاربردی، پیشنهادات مناسبی برای سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان اجرایی ارائه کرد تا بنیان‌های خانواده استحکام بیش‌تری پیدا کند.

## فرضیه‌های پژوهش

فرضیاتی که در این پژوهش مطرح شده، عبارت‌اند از:

۱. سن بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر معکوس دارد.
۲. سن ازدواج بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر مستقیم دارد.
۳. فاصله سنی زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر معکوس دارد.
۴. تعداد سال‌های زندگی مشترک زوجین بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر معکوس دارد.
۵. تعداد فرزندان، بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر معکوس دارد.
۶. فاصله سنی بین فرزندان، بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر معکوس دارد.
۷. پایین بودن سن زن در اولین بارداری بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر مستقیم دارد.
۸. فاصله سن ازدواج تا تولد فرزند اول، بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر مستقیم دارد.
۹. به نظر می‌رسد مهاجرت بعد از ازدواج، بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر مستقیم دارد.
۱۰. ازدواج با خویشاوندان، بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر مستقیم و مثبتی دارد.
۱۱. انتخاب همسر با نظر خود فرد، بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر مستقیم دارد.

---

<sup>۱</sup> White-Kelean- David

۱۲. نزدیکی محل سکونت با خانواده همسر، بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر معکوس دارد.

۱۳. قومیت یکسان بین زوجین، بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر مستقیم دارد.

## مبانی و چارچوب نظری

دیدگاه‌های مختلفی در جامعه‌شناسی به بررسی کیفیت زندگی زناشویی پرداخته‌اند؛ تئوری‌های مربوط به ازدواج مانند نظریه صافی، تئوری‌های مربوط به خانواده مانند نظریه تالکوت پارسونز، رنه کونینگ، هلموت شلسکی و مارکس هورکهایمر و تئوری‌های مربوط به کیفیت زندگی زناشویی مانند نظریه آنومی دورکیم، نظریه چرخه زندگی، نظریه همسان همسری، نظریه انصاف، نظریه مبادله، نظریه مارکسیسم، نظریه فمینیست، نظریه کنش متقابل نمادین و دیدگاه اریک فروم. اما هیچ یک از این نظریه‌ها به تنهایی نمی‌تواند مسئله مورد نظر را تبیین و از جوانب گوناگون بررسی کند. بنابراین، با ایجاد چهارچوبی نظری که تلفیق و ترکیبی از نظریه‌های مطرح شده است، موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد. برادبوری، فینچام و بیچ<sup>۱</sup> کیفیت زندگی زناشویی را به عنوان موفقیت و عملکرد یک ازدواج توصیف و بیان کرده‌اند که کیفیت زندگی زناشویی، مفهومی چندبعدی است و شامل ابعاد گوناگون سازگاری یا توافق، انسجام و رضایت از زندگی زناشویی می‌شود. بر طبق نظریه همسان همسری، اغلب افراد همواره برای ازدواج خود تمایل به انتخاب فردی را دارند که همسان و شبیه به یکدیگر باشند، چرا که مطابق با این نظریه، همسانی افراد در بسیاری از جهات باعث دوام و پایداری آن ازدواج می‌شود و همین‌طور افزایش رضایت از زندگی زناشویی را نیز به دنبال خواهد داشت و کیفیت زندگی زناشویی را بالا می‌برد. (فالکنر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲: ۱۴). در واقع، انسان مایل است همسری برگزیند که بیش‌تر همسان با او باشد تا ناهمسان با وی. همسانی دو فرد نه تنها آن‌ها را به سوی یکدیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوارتر می‌نماید. پژوهش‌های بسیاری نیز مؤید این امر است که هر چه میزان همسانی زوجین از جنبه‌های گوناگون مانند سن، نوع خانواده، قومیت، اندازه جمعیت خانواده و... بیش‌تر باشد، میزان رضایت زناشویی بیش‌تری حاصل می‌شود. بر اساس تئوری صافی هر قدر افراد از گروه‌های قومی، نژادی، طبقه اجتماعی و اقتصادی و شرایط سنی همسانی بیشتری داشته باشند، کیفیت

<sup>۱</sup> Bradbury & Fincham & Beach

<sup>۲</sup> Faulkner

زندگی زناشویی بیشتر می شود- همان طور که در نظریه همسان همسری مطرح شد.(صادقی مهدی، ۱۳۸۴: ۱۷). از دیدگاه جامعه شناسی در نظریه چرخه زندگی، زناشویی و رضایت مندی از زندگی زناشویی، حاکی از آن است که بین رضایت از ازدواج و دوره های زندگی رابطه ای منحنی شکل وجود دارد که طبق آن با تولد فرزندان و در دوره ای کوتاه از میانسالی، رضایت از ازدواج کاهش می یابد و سپس با راه افتادن فرزندان، رضایت از زندگی به نحو چشمگیری افزایش می یابد (برناردز<sup>۱</sup>، ۱۳۸۴: ۲۴۳). پس می توان گفت تعداد سال های زندگی مشترک نیز می تواند بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر بگذارد. اریک فروم نیز درحوزه کیفیت زندگی معتقد است که عشق بین زوجین شامل ابراز احساسات مثبت، توجه و مراقبت، همدلی و مهربانی، حمایت و قدردانی است. فروم معتقد است که عشق عبارت است از همبستگی و یگانگی با شخص، به شرط نگر داشتن فردیت و موازین شخصیت فردی. عشق بارور همواره بر علائم توجه، مسئولیت، احترام و شناخت و مشارکت و همدلی در کارها، صمیمیت جنسی و تفاهم همه جانبه دلالت می کند (فروم، ۱۳۸۹: ۹۹). پس بر اساس نظرفروم می توان گفت که میزان عشق و علاقه زوجین همراه با ملازمات آن مانند احترام متقابل، همکاری و مشارکت و صمیمیت جنسی و ... بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر دارد. براساس نظریه پارسونز، در خانواده هسته ای کیفیت زندگی بالاتر است. پارسونز در کارکرد خانواده هسته ای از منظر خرد به عنوان نظامی خاص با طرح نظام شخصیتی در نظریه خود به تعریف رضایت اقدام می کند و عنصر اصلی نظام شخصیت را تمایلات می داند. بنابراین در چارچوب نظام شخصیتی اگر به فردی پاداش هایی از نوع تمجید به عنوان انگیزه داده شود و فرد این تمجیدها را باور کند، رضایت حاصل می شود. در زندگی زناشویی هم بر همین اساس با توجه کردن به هم، انجام مسئولیت ها، احترام گذاشتن و شناخت و مشارکت و همدلی در کارها، داشتن صمیمیت جنسی و تفاهم در انجام کارها و... می توان رضایت از زندگی زناشویی را مشاهده کرد. (اعزازی، ۱۳۷۶: ۷۲). همچنین می توان نظریه آنومی دورکیم را به روشنی با کیفیت زندگی زناشویی بررسی کرد. مفهوم آنومی از دیدگاه دورکیم در سه خصیصه به کار رفته است. تشویش یا اضطراب دردناک، احساس جدایی از معیارها و استانداردهای گروه، احساس بی نشانی یا فقدان هدفی معین. می توان عنوان کرد که بر اساس دیدگاه دورکیم زن و شوهری که بر اساس ارزش ها و اخلاقیات

---

<sup>۱</sup> Bernards

هدایت شوند، از موقعیت و رابطه خود رضایت دارند و این امر بر کیفیت زندگی زناشویی آنها تاثیر دارد. (صادق مقدم و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۰). در واقع، کیفیت زندگی زناشویی تابع نوع و شدت رابطه است. می توان گفت که از یک سو، با تامین بسیاری از نیازهای عاطفی و شناختی و حتی مالی افراد توسط همسر در ارتباط است و از سوی دیگر، از طریق مهارت‌های افراد، از آرزوهای بی پایان جلوگیری می کند. همچنین می توان گفت در جریان انتقال از همبستگی مکانیکی به ارگانیکی به علت عدم انسجام بین زن و مرد، احتمال منزوی بودن آنها و عدم رضایت آنها بیشتر می شود و این انزوا موجب می شود که کیفیت زندگی زناشویی کاهش یابد. بنابراین همانطور که در تئوری های مختلف در بالا بیان شد، عوامل مختلفی مانند طول مدت زندگی مشترک، همسانی در سن ازدواج و قومیت، نوع خانواده، اندازه و جمعیت خانواده، عشق و همکاری بین زوجین در کیفیت زندگی زناشویی تاثیر دارد. از دیدگاه جامعه شناسی در نظریه چرخه زندگی، زناشویی و رضایت مندی از زندگی زناشویی، حاکی از آن است که بین رضایت از ازدواج و دوره های زندگی رابطه ای منحنی شکل وجود دارد که طبق آن با تولد فرزندان و در دوره ای کوتاه از میانسالی، رضایت از ازدواج کاهش می یابد و سپس با راه افتادن فرزندان، رضایت از زندگی به نحو چشمگیری افزایش می یابد (برناردز<sup>۱</sup>، ۱۳۸۴: ۲۴۳). همچنین ممکن است ویژگی تعاملات میان زوجین برای کیفیت زندگی زناشویی مهمتر از صفات اجتماعی یا فردی باشد. در واقع، محبت و همکاری اثربخش بین زوجین و سایر اعضای خانواده و احترام می تواند تاثیر مهمی در کیفیت زندگی زناشویی داشته باشد. همچنین، بر اساس نظر دو ال و هیل<sup>۲</sup> تاثیر حضور فرزندان و تعداد فرزندان بر کیفیت زناشویی در بین زوجین متفاوت است و به نظر محقق در بین عوامل موثر بر کیفیت زندگی زناشویی، حائز اهمیت باشند- بخصوص با توجه به این موضوع که در جامعه کنونی تشویق به باروری و افزایش تعداد فرزندان مورد توجه مسئولان می باشد. بنابراین در این پژوهش سهم عوامل ارتباطی در کیفیت زندگی زناشویی نیز مانند طول مدت ازدواج و تعداد سال های زندگی مشترک، تعداد فرزندان، روابط خویشاوندی قبل ازدواج و فاصله سنی زوجین مطرح شده است. در مورد سن ازدواج، جامعه شناسانی مانند شهلا اعزازی در پذیرش این که تفاوت زیاد سنی میان زن و شوهر در اکثر

---

<sup>۱</sup> Bernards

<sup>۲</sup> Duall and Hill



موارد به عنوان عاملی زیانبار بر سلامت خانواده تاثیر می گذارد، هم عقیده هستند. اگر اختلاف و تفاوت سنی زوجین متناسب نباشد و فاصله سنی زوجین تفاوت فاحش داشته باشد، احتمال آسیب به سلامت و دوام خانواده بسیار افزایش می یابد، چراکه فاصله سنی زیاد بین زوجین، فاصله عمیق اجتماعی را به همراه خواهد داشت. به عبارت دیگر، آن دو نفر از دو نسل متفاوت خواهند بود. در مدل نظری با توجه به سه رویکرد لیو<sup>۱</sup> در بررسی کیفیت زندگی، رویکرد اول که عناصر تشکیل دهنده آن مانند شادکامی، رضایتمندی، احترام، صمیمیت جنسی، حمایت همسر، حل تعارض، تفاهم در زندگی و... تعریف می شود، در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. (مقصودی، ۱۳۸۶: ۹۲). همچنین با توجه به دو مدل معروف ایوانز برای توضیح ارتباط بین کیفیت زندگی و دیگر متغیرها که شامل الف: مدل از بالا به پایین- براساس این تئوری، چنین فرض می شود که کیفیت زندگی، ویژگی ثابتی است که باعث خروجی های معینی در زندگی افراد می شود- و ب: مدل از پایین به بالا- اعتقاد بر این است که متغیرهای خاصی کیفیت زندگی افراد را تحت تاثیر قرار می دهد- است، با توجه به هدف این پژوهش که مطالعه کیفیت زندگی زنان متأهل ۱۸ تا ۲۹ و مطالعه آن بر اساس متغیرهای زمینه ای و جمعیت شناختی می باشد، مدل دوم مورد تاکید است. (جمال زاده، ۱۳۹۲: ۵۶). بنابراین الگوی نظری پژوهش این گونه ارائه می شود:



<sup>۱</sup>Liu

## روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با توجه به ماهیت خود از نوع توصیفی-همبستگی است و داده‌ها از طریق پرسشنامه به عنوان ابزار اصلی گردآوری اطلاعات، جمع‌آوری شد تا با بررسی و تحلیل هر چه دقیق‌تر آنها، اهداف این پژوهش به چالش گذاشته و فرضیات این پرسشنامه بررسی شود. در این پژوهش ابتدا از مقیاس کیفیت زندگی زناشویی باسبی و همکاران (RDAS) به منظور سنجش میزان کیفیت روابط زناشویی استفاده شد. بعد این فرم توسط محقق تجدیدنظر گردید و در نهایت از پرسشنامه محقق ساخته در جهت سنجش کیفیت زندگی زناشویی و سنجش متغیرهای جمعیت شناختی بهره‌گیری شد. پرسشنامه در دو قسمت تهیه شد که بخش اول آن با ۲۰ سوال برای سنجش متغیرهای جمعیت شناختی و قسمت دوم ۶۰ گویه با ۳ خرده‌مقیاس توافق (۳۰ سوال)، رضایت (۱۲ سوال) و انسجام (۱۸ سوال) شکل گرفت- در مجموع نمره کیفیت زناشویی را نشان می‌دهند و نمرات بالا نشان دهنده کیفیت زناشویی بالاتر است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان متأهل ۱۸ تا ۲۹ سال ساکن شهر کرج در سال ۹۶-۱۳۹۵ می‌باشد. بر اساس فرمول کوکران، ۳۶۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند، اما از آنجا که معمولاً در تحقیقات به برخی از پرسشنامه‌ها به طور کامل پاسخ داده نمی‌شود و یا به دلیل عدم دقت پاسخگو اطلاعات موجود در آنها قابل استفاده نمی‌باشد، تصمیم گرفته شد که بیشتر از این حجم نمونه برآورد شده، پرسشنامه توزیع شود. در نتیجه، ۴۶۵ پرسشنامه توزیع شد. روش نمونه‌گیری این پژوهش، نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای<sup>۱</sup> می‌باشد که براساس تقسیم بندی صورت گرفته از سوی شهرداری، شهر کرج به ۱۰ منطقه تقسیم می‌شود. ابتدا از بین ۱۰ منطقه شهر، ۵ منطقه از مناطق به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند (بخش مرکزی کرج، اسلام آباد و عظیمیه، بلوار ارم، مهرشهر و فاز چهارم، مصباح تا محدوده کارخانه قند، حسین آباد و شهرک بنفشه) و در مرحله دوم، در هر منطقه انتخاب شده، ۹۳ نفر از زنان متأهل ۱۸ تا ۲۹ سال به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش آمار توصیفی با استفاده از جداول و شاخص‌های گرایش مرکزی و در بخش آمار استنباطی با استفاده از نرم افزار SPSS از آزمون‌های تحلیل رگرسیون و ضریب همبستگی روابط بین متغیرها بهره‌گیری می‌شود. پایایی پرسشنامه به شیوه آلفای کرونباخ محاسبه شد.

---

<sup>۱</sup> Double/ two stage cluster sampling

جدول ۱: میزان آلفای کرونباخ متغیرها

عنوان متغیر	تعداد سوالات	ضریب آلفای کرونباخ
رضایت	۱۲	۰/۵۸
توافق	۳۰	۰/۸۵
انسجام	۱۸	۰/۸۴
کیفیت زندگی	۶۰	۰/۹۰

### یافته های پژوهش

#### توصیف ویژگی های جامعه مورد مطالعه

از ۴۶۵ زن متأهل شهر کرج خواسته شد که به سوالات پرسشنامه پاسخ دهند که میانگین سنی آنها ۲۴ سال - کم سن ترین ۱۸ و مسن ترین ۲۹ سال - است. میانگین فاصله سنی با همسر پاسخگویان ۴/۷ سال - کم فاصله ترین ۰ و بیشترین فاصله سنی ۱۶ سال - است. میانگین سن ازدواج پاسخگویان ۲۲ سال - کم ترین سن ازدواج ۱۳ سال و بیشترین ۲۹ سال - است. میانگین سن بارداری پاسخگویان ۲۰ سال - کم ترین سن بارداری ۱۴ سال و بیشترین ۲۹ سال - است. میانگین مدت زمان ازدواج پاسخگویان ۱۶ سال - کم ترین مدت ازدواج ۱ ماه و بیشترین ۱۵ سال - است.

۲۰/۶ درصد از پاسخگویان فرزندی ندارند، ۵۳/۱ درصد یک فرزند، و ۲۱/۸ درصد دو فرزند، ۸ درصد هم ۳ و بیش از آن فرزند دارند.

بیشتر پاسخگویان (۷۷/۶ درصد) اعلام کرده اند که با همسر خود خویشاوند نیستند و پاسخ خیر دادند. ۲۲/۴ درصد از پاسخگویان هم بله جواب دادند.

بیشتر پاسخگویان (۳۷/۳ درصد) اعلام کرده اند که نزدیک خانواده همسر خود زندگی می کنند. ۲۶/۰ درصد از پاسخگویان هم نزدیک خانواده خود زندگی می کنند و ۳۶/۷ درصد نزدیک هیچکدام از خانواده های زندگی نمی کنند.

۴۵/۶ درصد اعلام کرده اند که خانه دار هستند و ۵۴/۴ درصد هم شاغل هستند. بنابراین بیشتر پاسخگویان شاغل هستند.

۲۹/۰ درصد اعلام کرده اند که با خانواده همسر خود زندگی می کنند و ۷۱ درصد هم با خانواده همسر زندگی نمی کنند. بنابراین بیشتر پاسخگویان با خانواده همسر خود زندگی نمی کنند. ۰/۳ از افراد برادر یا خواهرشان با آنها زندگی می کند، ۱/۷ درصد پدر یا مادر خود، ۰/۲ برادر یا خواهر همسر، ۵/۴ پدر یا مادر همسر و ۹۰/۳ نفر هم کسی با آنها زندگی نمی کند. بنابراین بیشتر آنها مستقل زندگی می کنند.

۴۳/۵ درصد اعلام کرده اند که بعد از ازدواج مهاجرت کرده اند و ۵۶/۵ درصد هم بعد از ازدواج از محل زندگی خود مهاجرت نکرده اند.

۰/۳ درصد اعلام کرده اند که بلوچ هستند. ۱ درصد ترکمن، ۵/۰ درصد لر، ۳/۰ درصد مازنی، ۴/۳ درصد گیلک، ۷/۹ درصد کرد، ۲۶/۴ درصد آذری، ۵۰/۱ فارس و ۲/۰ درصد عرب هستند. بنابراین بیشتر آنها فارس هستند.

قومیت همسران نیز به این گونه است: ۱/۶ درصد اعلام کرده اند که ترکمن هستند، ۴/۳ درصد لر، ۴/۶ درصد مازنی، ۵/۳ درصد گیلک، ۱۰/۲ درصد کرد، ۲۶/۶ درصد آذری، ۴۵/۷۲ فارس و ۱/۶ درصد عرب هستند. بنابراین بیشتر آنها فارس هستند.

۶/۴ درصد اعلام کرده اند که فرزندان آنها بین یک تا دو سال با هم فاصله دارند. ۲۱/۴ درصد بین دو تا چهارسال، ۲۹/۴ درصد بیشتر از چهار سال، و ۴۲/۸ درصد هم به این سوال پاسخ نداده اند که به احتمال زیاد فرزند ندارند.

توصیف متغیر وابسته (کیفیت زندگی زناشویی جوانان)

کیفیت زندگی زناشویی ۱۳/۲ درصد از پاسخگویان در حد پایین، ۵۴/۳ درصد در حد متوسط و ۳۲/۵ درصد در حد بالا و مطلوب است. میانگین ۲/۱۹۲ و انحراف معیار ۰/۶۴۹ می باشد. بنابراین کیفیت زندگی زناشویی بیشتر پاسخگویان در حد متوسط است.

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان برحسب کیفیت زندگی زناشویی

کیفیت زندگی زناشویی جوانان	فراوانی	درصد معتبر	درصد تراکمی	میانگین	انحراف معیار
پایین	۶۰	۱۳/۲	۱۳/۲	۲/۱۹۲	۰/۶۴۹۲۰

		۶۷/۵	۵۴/۳	۲۲۲	متوسط
		۱۰۰	۳۲/۵	۶۴	بالا
			۱۰۰	۳۴۶	جمع

### توصیف ابعاد کیفیت زندگی پاسخگویان

جدول زیر بیانگر میانگین پاسخگویان برحسب ابعاد کیفیت زندگی می باشد. همان طور که پیداست از سه بعد بررسی شده، میزان انسجام پاسخگویان با میانگین ۱۰۴/۹۳۴ بیشتر از توافق با میانگین ۶۰/۵۵ و رضایت با میانگین ۳۸/۴۷ می باشد.

### جدول ۳: توزیع میانگین پاسخگویان برحسب ابعاد کیفیت زندگی جوانان

ابعاد کیفیت زندگی	توافق	رضایت	انسجام
میانگین	۶۰/۵۵۳	۳۸/۴۷۱	۱۰۴/۹۳۴
حداقل	۱۸	۱۴	۵۸
حداکثر	۹۰	۶۰	۱۵۱

### نتایج فرضیه های پژوهش

جدول زیر نشان دهنده رابطه بین متغیرهای مستقل با «کیفیت زندگی زناشویی جوانان» به عنوان متغیر وابسته است که از آزمون های مرتبط استفاده شده است. نتیجه آزمون ها به طور خلاصه در جدول زیر آمده است:

### جدول ۴: خلاصه آزمون فرضیه ها

ردیف	فرضیه	نوع آزمون	ضریب	سطح معناداری	قبولی یا ردی
۱	سن و کیفیت زندگی زناشویی	پیرسون	۰/۱۷۷	۰/۰۰۲	تایید
۲	فاصله سنی با همسر و کیفیت زندگی زناشویی	پیرسون	-۰/۱۱۹	۰/۰۳۹	تایید
۳	سال های زندگی مشترک و کیفیت زندگی زناشویی	پیرسون	۰/۱۹۵	۰/۰۰۱	تایید
۴	سن ازدواج و کیفیت زندگی زناشویی	پیرسون	۰/۱۲۰	۰/۰۳۹	تایید

۵	تعداد فرزندان و کیفیت زندگی زناشویی	پیرسون	۰/۱۰۸	۰/۰۷	رد
۶	فاصله سنی بین فرزندان و کیفیت زندگی زناشویی	اسپیرمن	۰/۰۵۰	۰/۳۹۳	رد
۷	سن بارداری و کیفیت زندگی زناشویی	پیرسون	۰/۱۵۱	۰/۰۱۷	تایید
۸	فاصله سن ازدواج تا تولد اولین فرزند	پیرسون	۰/۰۷۹	۰/۱۸۰	رد
۹	قومیت و کیفیت زندگی زناشویی	آنوا	۰/۵۱۶	۰/۸۴۴	رد
۱۰	محل زندگی پس از ازدواج و کیفیت زندگی زناشویی	آنوا	۳/۱۵۱	۰/۰۴۴	تایید
۱۱	شیوه انتخاب همسر و کیفیت زندگی زناشویی	آنوا	۵/۸۳۵	۰/۰۰۳	تایید
۱۲	ازدواج با خویشاوندان و کیفیت زندگی زناشویی	تی تست	۰/۹۰۶	۰/۳۴۲	رد
۱۳	مهاجرت پس از ازدواج و کیفیت زندگی زناشویی	تی تست	۰/۹۲۵	۰/۰۱۶	تایید

#### آزمون فرضیه چند متغیره: آزمون رگرسیون چندگانه

در تحلیل رگرسیون چندگانه، با استفاده از روش همزمان (در سطح معناداری قابل قبول) و ترسیم معادله رگرسیون استاندارد، می توان گفت که با افزایش یک واحد تغییر در متغیرهای مستقل، به اندازه ضریب رگرسیون استاندارد واحد در متغیر وابسته افزایش خواهیم داشت. در تحلیل رگرسیون چندگانه، کلیه متغیرهای مستقل و زمینه ای به عنوان متغیر مستقل و کیفیت زندگی زناشویی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شدند.

جدول ۵: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون برای عوامل موثر بر کیفیت زندگی زناشویی

مدل	R	R <sup>۲</sup>	R تعدیل شده	انحراف استاندارد
۱	۰/۶۸۵	۰/۳۸۲	۰/۴۵۶	۱/۸۹۶۱۱

در جدول ۵ در کل ضریب تعیین تحلیل مسیر ( $R^2 = 1 - 0/618 = 0/382$ ) عدد  $0/382$  را نشان می دهد؛ این بدان معناست که متغیرهای مورد بررسی  $38/2$  درصد از واریانس میزان کیفیت زندگی زناشویی (متغیر وابسته نهایی) را تبیین نموده ( $0/382 =$  مقدار واریانس تبیین شده) و  $38/2$  درصد واریانس میزان کیفیت زندگی زناشویی (متغیر وابسته نهایی) مربوط به متغیرهایی است که در تحقیق پیش بینی نشده اند

( $1 - 0.618/0.382 = 0.382/0.618$ ) مقدار واریانس تبیین نشده). بنابراین همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، مقدار ضریب تعیین برابر است با:  $R^2 = 0.38$ ؛ به این معنی که متغیرهای موجود در این تحقیق می توانند تا ۳۸ درصد میزان مشارکت اجتماعی را توضیح دهند یا تبیین کنند و ۶۲ درصد نیز به عوامل دیگری وابسته است که در این تحقیق نیامده است.

جدول ۶: نتایج آزمون تحلیل واریانس برای عوامل موثر بر کیفیت زندگی زناشویی

سطح معناداری	F	میانگین	Df	مجموع مجذورات	ضرایب
۰/۰۰۰	۹/۶۴۲	۱۱۹/۲۱۸	۵	۷۱۵/۳۱۰	رگرسیون
		۱۲/۳۶۴	۳۵۲	۲۹۷۹/۸۱۴	باقیمانده
		۰	۳۶۰	۳۶۹۵/۱۲۷	کل

جدول ۷: ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره کیفیت زندگی زناشویی

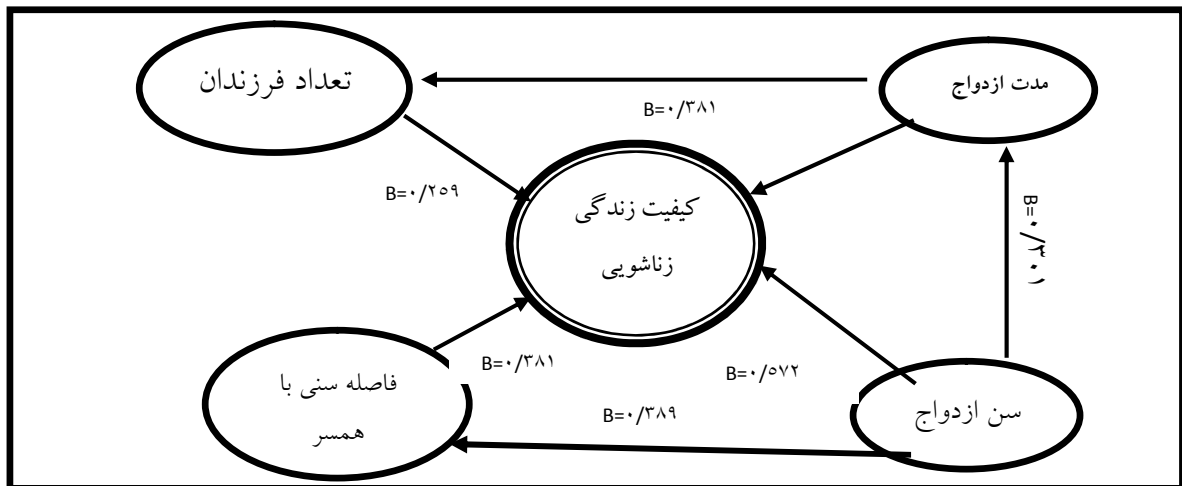
سطح معناداری	مقدار T	ضرایب استاندارد		عنوان متغیر
		Beta	اشتباه استاندارد	
۰/۰۰۰	۱/۲۴۳	-	۱۰/۹۹۷	عدد ثابت (Constant)
۰/۳۲۵	۰/۹۸۷	۰/۰۵۹	۰/۰۰۶	سن بارداری
۰/۰۱۲	۵۲۱/۲	۰/۲۵۹	۰/۱۶۷	تعداد فرزندان
۰/۶۴۰	۰/۴۶۹	۰/۰۳۷	۰/۲۵۳	سن
۰/۰۰۳	۲/۲۸۳	۰/۵۸۱	۰/۱۶۳	سن ازدواج
۰/۰۰۲	۳/۱۵۸	۰/۳۸۱	۰/۰۹۲	فاصله سنی با همسر
۰/۰۱۸	۱/۷۱۲	۰/۴۰۴	۰/۱۹۹	مدت ازدواج

معادله خط رگرسیون عوامل تعیین کننده رضایت زندگی زناشویی در جامعه نمونه آماری

$$(\text{سن ازدواج}) + ۰,۳۷۳ + (\text{تعداد فرزندان}) + ۰,۴۲۱ + ۱۰,۴۷۳ = \text{کیفیت زندگی زناشویی}$$

$$+ ۰,۳۴۰ (\text{مدت ازدواج}) + ۰,۲۹۰ (\text{فاصله سنی با همسر})$$

## مدل تحلیل مسیر عوامل موثر بر میزان کیفیت زندگی زناشویی



۱. سن ازدواج به میزان ۰/۵۷۲ و فاصله سنی با همسر به میزان ۰/۳۸۱ می باشد.

۲. شاخص تعداد فرزندان، تحت تأثیر مستقیم مدت ازدواج (به میزان ۰/۳۸۱) قرار دارد.

۳. شاخص مدت ازدواج، تحت تأثیر مستقیم سن ازدواج (به میزان ۰/۳۰۱) قرار دارد.

۴. فاصله سنی با همسر، تحت تأثیر مستقیم سن ازدواج (به میزان ۰/۳۸۹) می باشد.

جدول ۸: تحلیل مسیر تأثیر عوامل مؤثر بر میزان کیفیت زندگی زناشویی

بر میزان کیفیت زندگی (Bi) انواع تأثیر ضرایب مسیر			
عوامل موثر بر کیفیت زندگی زناشویی	تأثیر مستقیم	اثرات غیر مستقیم	مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم
سن ازدواج	۰/۵۷۲	۰/۳۰۱	۰/۸۷۳
فاصله سنی با همسر	۰/۳۸۱	۰/۳۸۹	۰/۷۷۰
مدت ازدواج	۰/۴۰۴		۰/۴۰۴
تعداد فرزندان	۰/۲۵۹	۰/۳۸۱	۰/۶۴۰
مجموع تأثیرات	۱/۸۴۰	۱/۰۷۱	-

طبق جدول ۸، سعی شده در قالب تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زناشویی، به ترسیم نیکویی

برازش مدل نظری پرداخته شود. لذا در بیشترین و قوی ترین تأثیر بر کیفیت زندگی زناشویی، می توان به



تأثیر مستقیم متغیر سن ازدواج با میزان ۰/۵۷۲، مدت ازدواج به میزان ۰/۴۰۴، فاصله سنی با همسر به میزان ۰/۳۸۱ و تعداد فرزندان به میزان ۰/۲۵۹ اشاره کرد.

بدین ترتیب، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که برای بالا بردن میزان کیفیت زندگی زناشویی باید بر عوامل زیر تأکید کرد: مدت ازدواج، سن ازدواج، فاصله سنی با همسر و تعداد فرزندان؛ چرا که اثرگذاری مستقیم این عوامل به طور آشکار بیشتر از اثرگذاری سایر عوامل بر کیفیت زندگی زناشویی است.

## بحث و نتیجه گیری

موضوع کیفیت زندگی جوانان در دهه های اخیر توجه بسیاری از محققان را به خود جلب نموده است. مطالعه کیفیت زندگی، به بررسی تأثیر تمام موضوعاتی می پردازد که باعث بالارفتن سطح معنی زندگی، افزایش شادی، خوشی و تناسب شرایط زندگی شهروندان می گردد. با شروع زندگی مشترک و ایجاد رابطه زناشویی، رضایت زناشویی به متغیری مهم در رابطه با کیفیت زندگی بدل می شود. اهمیت کیفیت زندگی زناشویی یا همان رضایتمندی و عدم رضایت از زندگی زناشویی، در تأثیر آن بر سلامت روانی و جسمانی پدیدار می شود. همانطور که گفته شد مطالعات نشان داده است که رضایتمندی و عدم رضایت از زندگی زناشویی، بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی تأثیر می گذارد. افراد متأهلی که زندگی شان پایدار بوده و استحکام بیشتری داشته است و از رضامندی زناشویی بالایی برخوردارند، بیشتر عاطفی اند و در مقایسه با افراد ناسازگار، کمتر دچار مشکلات روان شناختی می شوند. طبق نتیجه این تحقیق، از عواملی که در کیفیت زندگی زناشویی موثر است عبارت اند از: سن، فاصله سنی با همسر، سال های سپری شده از زندگی مشترک، تعداد فرزندان، سن بارداری، محل زندگی پس از ازدواج، شیوه انتخاب همسر و مهاجرت پس از ازدواج. در این تحقیق تلاش شد تا میزان اثرگذاری این ابعاد شناسایی و نقش آن در کیفیت روابط زوجین تبیین گردد، زیرا موضوع کیفیت زندگی زناشویی همانند دیگر پدیده های اجتماعی و انسانی متأثر از عوامل و متغیرهای مختلفی است. در این پژوهش محقق به بررسی کیفیت زندگی زناشویی پرداخته و سپس عوامل جمعیت شناختی و تأثیر آن بر روابط زوجین و کیفیت روابط آنها را مورد مذاقه قرار داده است - هرچند که بسیاری از عوامل جامعه شناختی می تواند کیفیت روابط زوجین را تحت الشعاع خود قرار دهد، آن را بهینه سازد و یا تخریب نماید. بالا رفتن درصد

طلاق، پایین آمدن مدت زمان عمر خانواده در سالیان اخیر، افزایش خشونت خانوادگی، قتل های خانوادگی، خیانت و طلاق عاطفی در خانواده از جمله مواردی است که بیانگر کیفیت پایین زندگی زناشویی می باشد.

بین سن و کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به سطح شبه فاصله ای متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. سطح معنی داری برابر  $\text{Sig}=0/002$  و میزان همبستگی پیرسون  $0/177-$  است که نشان دهنده رابطه معکوس بین متغیرهاست. بنابراین هرچه سن بالاتر رود، کیفیت زندگی کمتر است. نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه تحقیق گوهر ولی پور مرغملکی (۱۳۹۲) همراستاست.

بین سن بارداری و کیفیت زندگی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به آزمون همبستگی پیرسون، سطح معنی داری برابر  $\text{Sig}=0/017$  و میزان همبستگی پیرسون  $0/151$  است که نشان دهنده همبستگی مثبت بین سن بارداری و کیفیت زندگی زناشویی است. با توجه به سطح معناداری، بین کیفیت زندگی زناشویی و سن زن در اولین بارداری رابطه معنی داری وجود دارد. پس پایین بودن سن زن در اولین بارداری بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر مستقیم دارد.

در مورد آزمون فرضیه فاصله سنی بین فرزندان و کیفیت زندگی زناشویی، سطح معنی داری برابر  $\text{Sig}=0/393$  و میزان اسپیرمن  $0/050$  است. با توجه به بالا بودن سطح معناداری، می توان گفت میان فاصله سنی بین فرزندان و کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود ندارد و این فرضیه رد شده است.

بین سال های زندگی مشترک و کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به آزمون همبستگی پیرسون، سطح معنی داری برابر  $\text{Sig}=0/001$  و میزان همبستگی پیرسون  $0/195-$  است که نشان دهنده رابطه معکوس بین متغیرهاست. بنابراین هرچه سال های زندگی مشترک بیشتر باشد، کیفیت زندگی کمتر است. طبق نتیجه آزمون فرضیه، سال های سپری شده از زندگی مشترک بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیرگذار است. نتیجه آزمون این فرضیه با نظریه استتس همراستاست که بیان کرده کیفیت زندگی زناشویی با گذشت زمان یعنی با طول مدت ازدواج کاهش می یابد. تونینگ<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۳) نیز

---

<sup>۱</sup> Twenge

در پژوهش خود با عنوان «رضایت ذهنی و والدین» به این نتیجه دست یافتند که طول مدت ازدواج با رضایت زناشویی رابطه منفی دارد. در پژوهش‌های انجام شده در مورد کیفیت زندگی زناشویی در داخل نیز برخی به این نتیجه رسیده‌اند که طول مدت ازدواج، با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار دارند. (سیاوش شاه‌عنایتی، ۱۳۸۸؛ صادق مقدم و همکاران، ۱۳۸۵؛ حسین خوانساری، ۱۳۸۰؛ بهاری، ۱۳۸۶؛ موسوی، ۱۳۸۵). همچنین، با نتیجه پژوهش‌های خارجی مانند آلدورف و گایمر<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) به نقل از آسوده و همکاران (۱۳۸۹). (فنل<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳؛ روزن- گاردن<sup>۳</sup>، ایرز و هایت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴) به نقل از مرادی (۱۳۷۹) (ویجتیمالا<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۴؛ وندورف<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۱؛ هیتون<sup>۷</sup>، ۱۹۸۴) به نقل از (مرادی (۱۳۷۹) همخوانی دارد.

بین سن ازدواج و کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به آزمون همبستگی پیرسون، سطح معنی‌داری برابر  $Sig=0/039$  و میزان همبستگی پیرسون  $0/120$  است که نشان دهنده رابطه مستقیم بین متغیرهاست. بنابراین هرچه سن ازدواج بالاتر رود، کیفیت زندگی بهتر است. نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه تحقیق گوهر ولی پور مرغملکی (۱۳۹۲)، حقیقتیان و جانقربانی (۱۳۹۴) (ویجتیمالا و همکاران، ۲۰۰۴؛ وندورف و همکاران، ۲۰۱۱؛ هیتون، ۱۹۸۴) به نقل از مرادی (۱۳۷۹). همراستاست.

در مورد این فرضیه که تعداد فرزندان بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر معکوس دارد، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. با توجه به آزمون همبستگی پیرسون، سطح معنی‌داری برابر  $Sig=0/070$  است که نشان از عدم معنی‌داری رابطه تعداد فرزندان و کیفیت زندگی می‌باشد. همچنین، میزان همبستگی پیرسون  $-0/108$  است که رابطه منفی را نشان می‌دهد. همچنین تحقیق حقیقتیان و جانقربانی (۱۳۹۴) نشان داد

---

<sup>۱</sup> Alendorff and Guimer

<sup>۲</sup> Phenol

<sup>۳</sup> Rvzn- Garden

<sup>۴</sup> Ayres and Hyatt

<sup>۵</sup> Vignettela

<sup>۶</sup> Vendorf

<sup>۷</sup> Heaton

که تعداد فرزندان بر روی متغیر کیفیت روابط زوجین اثرگذار نمی باشد. تونینگ<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۳) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که تعداد فرزندان با رضایت زناشویی رابطه منفی دارد. بلومر<sup>۲</sup> و همکارانش (۲۰۰۰) در پژوهشی نشان دادند که مراقبت از ۲ فرزند یا بیشتر با امتیاز بالاتر کیفیت زندگی همراه است، ولی با افزایش تعداد فرزندان، کیفیت زندگی خانواده کاهش می یابد. (خشنده رو، ۱۳۸۱: ۷۸)

کارنی و برادبوری (۱۹۹۷) معتقدند که تاثیر حضور فرزندان و تعداد فرزندان بر کیفیت زناشویی در بین زوجین متفاوت است. برخی از پژوهش‌های خارجی به این نتیجه رسیده‌اند که تعداد فرزندان با میزان رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی رابطه معنادار دارد (براو من، ۲۰۰۰؛ اراتینکال و انسینوگن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷).

در پژوهش حاضر، رابطه شیوه انتخاب همسر و کیفیت زندگی زناشویی نیز مورد بررسی قرار گرفت که نشان داده شد بین انواع شیوه های انتخاب همسر و کیفیت زندگی تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به سطح متغیرها از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه یا F استفاده شد که سطح معنی داری برابر  $Sig=0/003$  است و نشانگر معنی داری تفاوت بین شیوه انتخاب همسر و کیفیت زندگی می باشد. در این تحقیق شیوه انتخاب همسر در سه گروه انتخاب خودم، انتخاب والدین و انتخاب سایر اعضای خانواده مطرح شد. با توجه به آزمون تعقیبی توکی نشان داده شد، افرادی که همسر خود را با انتخاب سایر اعضا خانواده برمی گزینند، کیفیت زندگی بالاتری نسبت به افرادی که با انتخاب خود یا والدین صورت می گیرد، دارند. در نظریه صافی نیز اشاره شد که هر قدر افراد از گروه های قومی، نژادی، طبقه اجتماعی و اقتصادی و شرایط سنی همسانی بیشتری داشته باشند، کیفیت زندگی زناشویی بیشتر می شود.

همان طور که در نظریه همسان همسری مطرح شد، در پژوهش‌های انجام شده در مورد کیفیت زندگی زناشویی در داخل، برخی به این نتیجه رسیده‌اند که داشتن آشنایی قبل از ازدواج و ازدواج فامیلی با میزان رضایت از زندگی زناشویی رابطه معنادار دارند. (سیاوش شاه‌عنایتی، ۱۳۸۸؛ صادق مقدم و

---

<sup>۱</sup> Twenge

<sup>۲</sup> Blumer

<sup>۳</sup> Bravmen- Eratinkal and Insinogen

همکاران، ۱۳۸۵؛ حسین خوانساری، ۱۳۸۰؛ بهاری، ۱۳۸۶؛ موسوی، ۱۳۸۵). آلدورف و گایمر<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در پژوهشی نشان دادند شیوه انتخاب همسر و رضایت خانواده از انتخاب از عوامل تاثیرگذار در زندگی زناشویی هستند. (آسوده و همکاران: ۱۳۸۹). برخی دیگر از تحقیقات انجام شده پیرامون میزان رضایت از زندگی زناشویی نشان می دهند که همگونی فرهنگی و نحوه جامعه‌پذیری جنسیتی با میزان رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی رابطه معنادار دارد. (ویسفلد، راسل و ولز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲ به نقل از حقیقتیان و جانقربانی: ۱۳۹۴)

در اینجا رابطه ازدواج با خویشاوندان و کیفیت زندگی زناشویی هم مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که ازدواج با خویشاوندان، بر کیفیت زندگی زناشویی تاثیر مستقیم دارد. متغیر «ازدواج با خویشاوندان» متشکل از دو مقوله بلی و خیر است که در قالب مقیاس اسمی ساخته شده است. برای بررسی رابطه میان این متغیر و متغیر «کیفیت زندگی» لازم است از آزمون T تست مستقل استفاده شود. با توجه به سطح معناداری آزمون Levenes،  $Sig = ۰/۳۴۲$  می باشد. پس واریانس ها ناهمگن و نابرابرند. بدین ترتیب، فرضیه مبنی بر وجود تفاوت کیفیت زندگی در دو گروه افرادی که با همسران خود خویشاوند هستند و افرادی که نیستند، تایید نمی شود.

از سوی دیگر، فرضیه تفاوت بین قومیت و کیفیت زندگی رد شد. با توجه به سطح متغیرها از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه یا F استفاده گردید که سطح معنی‌داری برابر  $Sig = ۰/۸۴۴$  است و نشان از عدم معنی‌داری تفاوت بین قومیت و کیفیت زندگی دارد. در این تحقیق قومیت در نه گروه بلوچ، ترکمن، لر، مازنی، گیلک، کرد، آذری، فارس و عرب مطرح گردید. برخلاف نظریه صافی و همسان همسری که اشاره شد، هر قدر افراد از نظر گروه های قومی، نژادی، طبقه اجتماعی و اقتصادی و شرایط سنی همسانی بیشتری داشته باشند، کیفیت زندگی زناشویی آنها بیشتر می شود. نتیجه آزمون این فرضیه برخلاف برخی از پژوهش‌های خارجی گویای این نتیجه بود که قومیت زوجین با میزان رضایت آن‌ها از زندگی زناشویی رابطه معنادار دارد (براون، ۲۰۰۰؛ اراتینکال و انستینوگن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷).

---

<sup>۱</sup> Alendorff and Guimer

<sup>۲</sup> Visfeld, Russel and Wales

<sup>۳</sup> Bravmen- Eratinkal and Insinogen

رابطه فاصله سنی با همسر و کیفیت زندگی نیز بررسی شد. با توجه به آزمون همبستگی پیرسون، سطح معنی‌داری برابر  $\text{Sig} = 0/039$  است و نشان از معنی‌داری رابطه فاصله سنی با همسر و کیفیت زندگی دارد. همچنین میزان همبستگی پیرسون  $0/119$  - می باشد که نشان دهنده رابطه معکوس بین متغیرهاست. بنابراین هرچه فاصله سنی با همسر بیشتر باشد، کیفیت زندگی کمتر است - این نتیجه، موید نظریه صافی و نظریه همسان همسری می باشد. تفاوت زیاد سنی میان زن و شوهر در بیشتر موارد به عنوان عاملی زیانبار بر سلامت خانواده تاثیر می گذارد. اگر اختلاف و تفاوت سنی زوجین متناسب نبوده و فاصله سنی زوجین تفاوت فاحش داشته باشد، احتمال آسیب به سلامت و دوام خانواده بسیار افزایش می یابد؛ چراکه فاصله سنی زیاد بین زوجین، فاصله عمیق اجتماعی را به همراه خواهد داشت. این یافته با نتیجه پژوهش ولی پور مرغملکی (۱۳۹۲) و نوایی نژاد (۱۳۸۸) همسوست، زیرا تناسب سنی میان آن دو آنها را از نظر نیازها و علایق به هم نزدیکتر می کند و طبیعتاً در چنین شرایطی توقعات و انتظاراتشان از یکدیگر نیز واقع بینانه تر خواهد بود.

همچنین، کیفیت زندگی در دو گروهی که بعد از ازدواج مهاجرت کرده و نکرده اند با هم متفاوت هستند. متغیر «مهاجرت پس از ازدواج» متشکل از دو مقوله افراد مهاجرت کرده و نکرده است که در قالب مقیاس اسمی ساخته شده است. بنابراین، برای بررسی رابطه میان این متغیر و متغیر «کیفیت زندگی» لازم است از آزمون T تست مستقل استفاده شود. با توجه به سطح معناداری آزمون  $\text{Levenes}$ ،  $\text{Sig} = 0/016$  می باشد. پس واریانس‌ها همگن و برابرند. تفاوت کیفیت زندگی در دو گروه افرادی که بعد از ازدواج مهاجرت کرده اند و مهاجرت نکرده اند، تایید می شود و طبق مقدار میانگین، کیفیت زندگی افرادی که بعد از ازدواج مهاجرت کرده اند، بیشتر است.

از سوی دیگر، نشان داده شد که بین محل زندگی پس از ازدواج و کیفیت زندگی تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به سطح متغیرها از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه یا F استفاده شده است. سطح معنی‌داری برابر  $\text{Sig} = 0/044$  است و نشان از معنی‌داری تفاوت بین محل زندگی پس از ازدواج و کیفیت زندگی دارد. در این تحقیق محل زندگی پس از ازدواج در سه دسته در نزدیکی خانواده همسر، در نزدیکی خانواده خودم و هیچکدام مطرح شد. با توجه به آزمون تعقیبی توکی، نشان داده شد افرادی

که مستقل و به دور از خانواده های خود زندگی می کنند، کیفیت زندگی بالاتری نسبت به افرادی که در نزدیکی خانواده همسر یا خود زندگی می کنند، دارند.

تداوم تعهد فرد به نظام اجتماعی، ریشه در رضایت از خود، جامعه و به طور کلی رضایت از شرایط زندگی فرد دارد. هر فرد از طریق تحلیل شرایط پیرامون خود، می تواند اوضاع فردی خویش را دریابد و به ارزیابی آن بپردازد. عواطف مثبت در مورد شرایط خود اگر چه عنصری ذهنی است، ریشه در شرایط عینی دارد. این حقیقت را نمی توان نادیده انگاشت که مولفه های اصلی در ارزیابی مثبت و منفی هر فرد، تحلیل و ارزیابی ذهنی او از شرایط خود و جامعه در مقایسه با دیگران است.

رضایت از زندگی، نقش موثری در تکوین یا تغییر رویکردهای توسعه و برنامه ریزی اجتماعی دارد. به عبارتی، تدوین برنامه های توسعه براساس داده های زمینه یابی اجتماعی، نوعی تغییر رویکرد در برنامه ریزی از بالا به پایین به وجود می آورد و منجر به تقویت نگاه از پایین به بالا در برنامه های توسعه و در پی آن، سیاست گذاری اجتماعی می شود. این نوع دگرگونی در رویکرد سیاست گذاری و برنامه ریزی اجتماعی است، چرا که داده های این الگو از پایین به بالا عرضه و طراحی می شوند.

در مجموع، فقدان یا کاهش احساس رضایتمندی زناشویی، خود می تواند سبب ایجاد محرکی برای تصمیم به جدایی و طلاق شود که آثار مخرب و مهلک آن بر کسی پوشیده نیست. باتوجه به نتیجه این تحقیق می توان گفت تاکید و بررسی عوامل جمعیت شناختی برای شناسایی دقیق تر علل طلاق و در نقطه مقابل آن رضایتمندی از زندگی زناشویی در کشور از اهمیت زیادی برخوردار است.

## منابع

- آسوده، محمدحسین؛ خلیلی، شیوا؛ دانشپور، منیژه و غلامعلی لواسانی، مسعود. (۱۳۸۹). «عوامل موثر بر ازدواج موفق: از دیدگاه زوجین خوشبخت». دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران.
- احمدی، خلیل؛ آزاد، اسماعیل؛ ملازمانی، محمود و دیگران. (۱۳۸۴). «بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه». طب نظامی. صص ۱۴۱-۱۵۲.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده، با تاکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: روشنگران و مطالعات زنان
- امینی، داریوش. (۱۳۷۴). «بررسی عوامل روانشناختی و جامعه‌شناختی مؤثر بر کیفیت رضایت زناشویی». طرح تحقیقاتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- باقری، افسانه و همکاران. (۱۳۸۳). «رابطه کیفیت زناشویی با موقعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی خانواده». فصلنامه خانواده و پژوهش. سال اولف شماره ۱. صص ۸۰-۵۷
- بک گرنسهایم، الیزابت. (۲۰۰۲). شناخت انواع خانواده در جهان امروز. افسر افشار نادری و بینا مدنی. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- بهاری، فرشاده؛ فاتحی زاده، مریم؛ احمدی، سید احمد؛ مولوی، حسین و بهرامی، فاطمه. (۱۳۹۰). «تاثیر آموزش مهارت های ارتباط همسران بر کاهش تعارض های زناشویی زوج های متعارض متقاضی طلاق». پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره (مطالعات تربیتی و روان شناسی). صص: ۷۰-۵۹
- جلالی هنومرور، بهار. (۱۳۸۵). «بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر رضایتمندی زوجین جوان یزدی از زندگی زناشویی (با تاکید بر سرمایه اجتماعی)». پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا.



- جمال زاده، راضیه و گلزاری، محمود. (۱۳۹۳). «اثر بخشی امید درمانی در افزایش شادکامی و رضایت از زندگی در زنان سالمند مستقر در مرکز سالمندان شهرستان بروجن». فصلنامه زن و جامعه. شماره دوم، ۳۸-۴۱.
- جواهری، فاطمه؛ سراج زاده، سیدحسین و رحمانی، ریتا. (۱۳۸۹). «تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آن». پژوهش زنان. دوره هشت، شماره ۲، تابستان: ۱۶۲، ۱۴۳.
- حقیقتیان، منصور و جانقربانی، نیلوفر. (۱۳۹۴). «بررسی رابطه بین سن ازدواج و کیفیت روابط زوجین شهر اصفهان در سال ۱۳۹۳». اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران، تهران، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- خشنده رو، سکینه. (۱۳۸۱). «بررسی میزان تأثیر آموزش بر کیفیت زندگی بیماران دیابتی دانشکده آموزش بهداشت مراجعه کننده به انجمن دیابت ایران». پایان نامه کارشناس ارشد، علوم پزشکی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۶). جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران. چاپ دوم، تهران: انتشارات ندای آریانا
- سیادت، علی و همایی، رضا. (۱۳۸۶). بررسی میزان رضایت زناشویی در ازدواج های دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی شهرکرد و دولتی اصفهان. مجموعه مقالات مشاوره خانواده و ازدواج پنجمین سمینار انجمن مشاوره ایران، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
- سیاوش شاه عنایتی، عاطفه. (۱۳۸۸). «بررسی رضایت از زندگی زناشویی در زوجین جوان تهرانی و عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن». پایان نامه کارشناسی ارشد رفاه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صادقی، میر محمد مهدی. (۱۳۸۴). آموزش پیش از ازدواج. تهران: سازمان بهزیستی کشور

- صادق مقدم، لیلا؛ عسکری، فریبا؛ معروضی، پرویز؛ شمس، هدایت الله و طهماسبی، سیمین. (۱۳۸۵). «میزان رضایت از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه دار و همسران آنها در شهر گناباد». افق دانش (مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی گناباد). (۱۲) ۲، صص: ۵۰ - ۴۵.
- عیسی نژاد، امید. (۱۳۸۷). «بررسی اثربخشی غنی سازی روابط بر بهبود کیفیت روابط زناشویی زوجین در شهر اصفهان». مجله علوم رفتاری. سال چهارم، شماره ۱، صص ۹-۱۶ دانشکده روان شناسی، دانشگاه اصفهان.
- غلامعلیان، فهیمه و احمدی، احمد. (۱۳۸۷). «کیفیت زندگی زناشویی». فصلنامه تازه های روان درمانی. شماره ۵۰ و ۴۹.
- فاتحی زاده، مریم و احمدی، سید احمد. (۱۳۸۴). «بررسی رابطه الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان». نشریه خانواده پژوهی. سال اول، شماره ۲.
- فروم، اریک. (۱۳۸۹). هنر عشق ورزیدن. پوری سلطانی. چاپ ۱۵، تهران: مروارید
- قمری، محمد و خوشنام، امیر حسین. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین عملکرد خانواده اصلی کیفیت زندگی در بین دانشجویان». فصلنامه خانواده پژوهی، شماره ۷.
- کجباف، محمدباقر؛ آقایی، اصغر و محمودی، عفت. (۱۳۹۰) «بررسی تأثیر آموزش شادکامی بر کیفیت زندگی زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان». فصلنامه خانواده. سال هفتم، شماره ۲۵، بهار.
- مرادی، مریم. (۱۳۷۹). «بررسی آموزش مهارت های زناشویی بر رضایت زناشویی». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- مقصودی، منیژه. (۱۳۸۶). انسان شناسی خانواده و خویشاوندی. چاپ اول، شیراز

- موسوی، اشرف سادات. (۱۳۸۵). «مقایسه سویه های متفاوت رضامندی از زندگی زناشویی در زنان شاغل و خانه دار». مطالعات زنان دانشگاه الزهراء (س). سال ۴، شماره ۲.
- میرفردی، اصغر؛ احمدی، سیروس و رفیعی بلداجی، زهره. (۱۳۸۹). «جهت گیری ارزشی توسعه محور معلمان و عوامل اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار بر آن». پژوهش نامه ارتباطات. سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۲۱۷-۱۹۷.
- نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۸۸). روانشناسی زن. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان
- یوسفی، ناصر. (۱۳۹۰). «بررسی شاخص های روان سنجی مقیاس کیفیت زناشویی، فرم تجدیدنظر شده (RDAS)». پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره. ۱ (۲)، ۱۸۳-۲۰۰.
- Faulkner, Rhonda, A. (۲۰۰۲). **Gender-Related Influences On Marital Satisfaction and Marital Conflict Overtime for Husband and Wives.** Athens, Georgia
- Stack ,S. & Eshleman, J. R. (۱۹۹۸). "Family and Relationships". Journal of Marriage and the Family, Vol pp ۵۲۷-۵۳۶.
- White, James M., Klein & David, M. (۲۰۰۸). **Family Theories.** North American:Sage.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# **Relationship between the Quality of Marital Life of Youth with Demographic Factors (Case Study: ۱۸-۲۹ Year Old Women in Karaj)**

**Fatemeh Rashid**

Ph.D. Student in Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Shahla Kazemi Pour Sabet**

Ph.D., Associate Professor in Sociology, University of Tehran, Tehran, Iran

**Hossein Aghajani Mersa**

Ph.D., Assistant Professor, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Received: ۲ Jun. ۲۰۱۸*

*Accepted: ۲۷ Jul. ۲۰۱۸*

The study is to measure the relationship between the quality of marital life of youth with demographic factors. This research is based on the descriptive-correlation nature. The statistical population contains all married women between the ages of ۱۸ and ۲۹ years living in Karaj. According to the Cochran formula, the sample size is ۴۶۵ people. The sample was determined by cluster sampling and then by simple random sampling. In theoretical foundations, theories of quality of life, Parsons, Safi, homogeneous, and the like are used. Finally, theoretical model of the research is designed. This research was conducted using a survey method. The data gathering tool was a researcher-made questionnaire. Reliability of the questionnaire was obtained by Cronbach's alpha for all dimensions of the questionnaire above ۰/۷, which is acceptable. Data were analyzed by descriptive and inferential statistics and analyzed using SPSS software. The result of the hypothesis with related tests shows that there is a significant relationship between quality of life and age, marriage age, age interval with spouse, duration of marriage, fertility age. According to regression and path analysis, the most and the strongest influence on the quality of marital life can be directly related to the direct effect of the variables of the marriage period (۰/۷۷۲), the age difference with the spouse (۰/۳۸۱) and the marriage age (۰/۴۴۰).

**KeyWords:** Quality of Marital Life, Married Women, Demographic Factors, Marriage Age and Ethnicity